***Restoration Theology in the Sahifa of Sajjadiyah: Transition from Suffering to Hope in the Light of Rereading Divine Power***

Mohammad Ismail Ghasemi Tusi

Ramezan Mahdavi Azadboni\*

Mahmood Dayyani

Rouhollah Oshrieh

1.Assistant Professor, Department of Islamic Education and Thought, University of Mazandaran

\*Corresponding Author:

2.Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, University of Mazandaran

Email: r.mahdavi@umz.ac.ir

3.Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, University of Mazandaran

4.PhD in Urban Planning and MA in Islamic Philosophy and Theology

**Abstract**

**Background and purpose:** This research, with an interdisciplinary approach (theology and positive psychology), examines the mechanisms of “restorative theology” in the Sahifa al-Sajjadiyah. According to the main hypothesis of this research, Imam Sajjad in his prayers introduces God as the “absolute restorative power” who is able to reconstruct the destroyed past, unjust suffering, and lost opportunities. This attitude plays a preventive function in maintaining mental health by creating radical hope and giving meaning to pain.

***Materials and Methods:*** The authors, using a descriptive-analytical method and a critical approach, attempted to discuss and discuss the role of Imam Sajjad’s prayer-like discourse with God in the Sahifa al-Sajjadiyah, while inferring an infinite image of divine power, in the prevention and treatment of mental disorders with an emphasis on despair and hopelessness**.**

***Results:*** Qualitative content analysis of passages such as “And with you is a remnant of what has passed” (compensation for the past) and “Repair for me what has been corrupted” (correction of corruption) shows that the theological system of the Sahifa is based on three key components:

1. The possibility of supernatural intervention in the chain of natural causes (transformation of decided destinies)

2. The system of compensatory justice (fair compensation for imposed suffering)

3. Cognitive redefinition of suffering (interpretation of pain as a platform for existential growth)

The findings of this study are consistent with Pargament’s (2001) studies on the role of religion in increasing resilience and Heath’s (2015) studies on the effect of belief in an omnipotent God on reducing cortisol levels. Also, Schneider’s (2002) theoretical framework of “hope therapy” has been confirmed as an analytical support.

***Conclusion:*** This article concludes that Imam Sajjad's restorative theology, by combining "realistic acceptance of suffering" and "hope for transcendental transformation," offers an unparalleled model for preventing and dealing with psychological disorders (including depression and existential anxiety) that both goes beyond the scope of conventional psychotherapy and is fully compatible with rational criteria.

***Keywords****:* Imam Sajjad, Omnipotence, Restorative theology, Hope-giving theology, Sahifa Sajjadiyeh.

**الهیات ترمیم‌گر در صحیفه‌ی سجادیه:** **گذار از رنج به امید در پرتو بازخوانی قدرت الهی**

محمد اسماعیل قاسمی طوسی[[1]](#footnote-1)

رمضان مهدوی آزادبنی[[2]](#footnote-2)

محمود دیانی[[3]](#footnote-3)

روح اله عشریه[[4]](#footnote-4)

 1. استادیار گروه معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه مازندران

 2. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مازندران

Email: r,mahdavi@umz.ac.ir

3. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مازندران

 4.دکتری شهرسازی و کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی

**چکیده**

***سابقه و هدف:*** این پژوهش با رویکردی بین‌رشته‌ای (الهیات و روان‌شناسی مثبت‌نگر) به بررسی سازوکارهای «الهیات ترمیم‌گر» در صحیفه‌ی سجادیه می‌پردازد. بر اساس فرضیه اصلی این تحقیق، امام سجاد (ع) در مناجات‌های خویش، خداوند را به‌عنوان «قدرت مطلق ترمیم‌گر» معرفی می‌کند که قادر است گذشته ویران‌شده، رنج‌های توان سوز و فرصت‌های ازدست‌رفته را بازسازی نماید. این نگرش از طریق ایجاد امید رادیکال و معنابخشی به دردها، کارکردی پیشگیرانه در حفظ سلامت روان ایفا می‌نماید.

***مواد و روش‌ها:*** نویسندگان با روش توصیفی – تحلیلی و با رویکرد انتقادی تلاش کردند تا از طریق مراجعه به گفتمان مناجات گونه امام سجاد (ع) با خداوند در صحیفه سجادیه ضمن استنباط تصویری کران ناپذیر از قدرت الهی، نقش آن را در پیشگیری و درمان اختلال روانی با تأکید بر یاس و ناامیدی موردبحث و قرار دهند.

***یافته‌ها:*** تحلیل محتوای کیفی فرازهایی نظیر «وَ عِنْدَکَ خَلَفٌ مِمَّا فَاتَ» (جبران گذشته) و «أَصْلِحْ لِی مَا فَسَدَ» (اصلاح فساد) نشان می‌دهد که نظام الهیاتی صحیفه بر سه مؤلفه کلیدی استوار است:

۱. امکان مداخله فراطبیعی در سلسله علل طبیعی (تبدیل سرنوشت‌های قطع‌نظر گرفته‌شده)

۲. نظام عدالت جبرانی (جبران عادلانه رنج‌های تحمیلی)

۳. بازتعریف شناختی رنج (تفسیر دردها به‌مثابه بستر رشد وجودی)

یافته‌های این پژوهش با مطالعات پارگامنت (۲۰۰۱) در زمینه نقش دین در افزایش تاب‌آوری و پژوهش‌های هیت (۲۰۱۵) درباره تأثیر باور به خدای قادر بر کاهش سطح کورتیزول همخوانی دارد. همچنین، چارچوب نظری «امیددرمانی» اشنایدر (۲۰۰۲) به‌عنوان پشتوانه تحلیلی مورد تأیید قرارگرفته است.

***استنتاج:*** این مقاله به این نتیجه دست می‌یابد که الهیات ترمیم‌گر امام سجاد (ع) با تلفیق «پذیرش واقع‌گرایانه رنج» و «امید به دگرگونی ماورایی»، الگویی بی‌بدیل برای پیشگیری و مقابله با اختلالات روان‌شناختی (ازجمله افسردگی و اضطراب وجودی) ارائه می‌دهد که هم از محدوده روان‌درمانی‌های متعارف فراتر رفته و هم با معیارهای عقلانی سازگاری کامل دارد.

***کلیدواژه:*** امام سجاد (ع)، قدرت مطلق، الهیات ترمیم گر، الهیات امیدآفرین، صحیفه سجادیه

.

**مقدمه**

**1- بیان مسأله**

دغدغه نسبت به سلامت در طول تاریخ اغلب ناظر به جسم و امور مربوط به آن بود اما بشر هرچقدر پیشرفت بیشتری کرد بخصوص از قرن بیستم به بعد دغدغه‌های مربوط به سلامت معطوف به روان نیز شد و سلامت روان به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های زندگی بشری تبدیل‌شده است. چه‌بسا مشاوره‌های روانی در قرون گذشته چندان موردتوجه نبود اما در دوران معاصر توجه به سلامت روان به امری مهم و ضروری تبدیل‌شده است. حالات روانی و عاطفی در وجودی آدمی پدیده‌ای آشکار است و حالاتی مانند یاس و تنهایی نوعی اختلال در زندگی انسان محسوب می‌شود که سطوح شدید آن می‌تواند مانع از زندگی طبیعی و انجام امور روزمره انسان باشد. احساساتی مانند تنهایی و یاس می‌تواند چنان زندگی آسان را دچار اختلال نماید که فرد را از انجام اموری مانند خوراک و خواب باز دارد. از این نظر اهمیت پرداختن به بیماری‌های روانی و حفظ سلامت روانی جای مناقشه ندارد. محققان و روان شناسان تعاریف متنوعی از سلامت روان ارائه می‌نمایند. بر این اساس، فشار روانی چیزی است که از خارج بر فرد تحمیل می‌شود و ناراحتی‌های جسمانی و روانی در پی دارد (1) و اضطراب، یک حالت احساسی- هیجانی است که از ویژگی‌های برجسته آن ایجاد حالت بی‌قراری و دلواپسی است که با اتفاق‌های زمان و شرایط مکانی تناسب ندارد (2). در اسلام بهداشت روانی، اصول و روش‌های مشروعی است که در مرحله‌ی اول سبب تأمین، ایجاد و حفظ، در مرحله‌ی دوم سبب تقویت و تکامل نفس و در مرحله‌ی سوم سبب درمان بیماری‌های روانی انسان مسلمان تا رسیدن به کمال مطلق می‌شود. منظور از اصول و روش‌های مشروع، شیوه‌های علمی و عملی است که در دستورات اسلام آمده و به کار بستن آن‌ها سبب سلامت روان انسان می‌گردد (3).

**2- پیشینه پژوهش**

در مقاله «سلامت روان در پرتو التزام عملی به آموزه‌های دینی» (4) نویسندگان تلاش می‌کنند تا بر نقش تعهد به باورهای دینی در مرحله عمل در تأمین سلامت روان را مورد ارزیابی قرار دهند؛ و مطلوب‌ترین نوع برقراری ارتباط را میان افراد، دادن احساس امنیت و آرامش به‌طرف مقابل و مخاطب می‌دانند. همچنین در مقاله «بررسی تطبیقی مفهوم سلامت روانی از منظر دین اسلام و روان‌شناسی نوین» (5) مفهوم سلامت روان را از منظر مطالعات دینی و روان‌شناختی موردبررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که ارتباط با خدا در سختی‌ها، مشکلات و بحران‌های زندگی به انسان آرامش می‌دهد و توکل و توسل به او باعث کنترل استرس‌ها و تنش‌های فرد می‌شود. در مقاله «ایمان، سلامت و روان‌شناسی» (6) نویسندگان بر نقش ایمان در حفظ سلامت را موردبررسی قرار دادند و معتقدند که دین اسلام علاوه بر توجه به بدن، توجه به روح و روان را نیز لازم می‌داند و به آن توجه دارد. مقاله «سلامت روانی با تکیه بر تعهد اخلاقی» (7) نیز تلاش می‌کند تا حفظ سلامت روانی را با تکیه بر رعایت ارزش‌های اخلاقی و تعهد اخلاقی بیان نماید.

**3- ضرورت و اهمیت پژوهش**

نویسندگان در پژوهش حاضر مساله سلامت روان را از طریق گذار از رنج به امید در پرتو بازخوانی قدرت الهی موردتحقیق قرار داده‌اند. ازآنجایی‌که نقش الهایت در مباحث سلامت روان، قابل‌انکار نیست و حتی جایگاه ویژه‌ای دارد و از سویی، اندیشه‌های الهی-اسلامی امام سجاد (ع) در نگاه شیعی-اسلامی از منزلت والایی برخوردار است لذا تبیین نگاه ایشان در موضوع موردبررسی، به‌خوبی روشن و واضح است.

**مواد و روش‌ها**

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با نگاهی عمیق به کتاب ارزشمند صحیفه سجادیه، به نقش الهیات ترمیم گرایانه از نگاه امام سجاد (ع) پرداخته شود. در این راستا، با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و با ابزار کتابخانه‌ای و فیش‌برداری و تحلیل محتوا تلاش شده است تا اهم مطالب، کشف و تدقیق گردد. در ادامه گذار از رنج و رسیدن به امید و ارتقای سلامت روان بر این اساس، هدف پژوهش حاضر می‌باشد.

**یافته‌ها**

پیش از ورود به بحث اصلی لازم است تا ذیل مبانی نظری، تعاریفی برای تدقیق بحث ارائه گردد لذا ابتدا به این مهم خواهیم پرداخت.

**1- مبانی نظری**

**1-1 مفهوم شناسی سلامت و بهداشت در لغت عرب**

ابن فارس: السین و اللام والمیم: معظم بابه من الصحه والعافیه فالسلامه: اَن سلم الانسان من العاهه والاذی؛ سین، لام، میم (سلم)، بیشترین کاربردش در معنی صحت و عافیت است، بنابراین، معنی سلامت این است که انسان از آفت و اذیت و آزار در امان باشد (8).

خلیل بن احمد: السلم، رجل سلیم، ای سالمٌ، والسلام یکون بمعنی السلامه و قول الناس، السلام علیکم ای: السلامه من الله علیکم؛ مرد سلیم یعنی شخص سالم. و کلمه «سلام» به معنی سلامت است و جمله «سلام علیکم» در محاورات و ارتباطات بین مردم به معنای آرزوی سلامتی برای مخاطب از ناحیه خداست (9).

 ابن منظور: السلام والسلامه: البرائه و التسلیم: مشتق من السلام اسم الله تعالی لسلامته من العیب و النقص و سَلِم من الامر سلامهً: نجا، والتسالم: التصالح والمسالمه: المصالحه؛ سلام و سلامت به معنی برائت است و تسلیم مشتق از کلمه سلام بوده که اسم خدای متعال است، به خاطر سلامت خدا از عیب و نقص و سالم ماندن از یک‌چیز، به معنی نجات است و تسالم یعنی صلح بین دو طرف و مسالمت یعنی مصالحه (10).

راغب اصفهانی: السلم و السلامه، التعری من الافات الظاهره والباطنه، قال «بقلب سلیم» (11) ای مُتعرّ من الدغل فهذا فی الباطن و قال تعالی «مسلمه لا شیة فیها» (12) فهذا فی الظاهر؛ مفهوم سلم و سلامت یعنی خالی بودن از آفت‌های ظاهری و باطنی، قلب سلیم در قرآن، یعنی عاری بودن از بیماری باطنی و آیه «مسلمه لاشیه فیها» ناظر به خالی بودن از بیماری‌های ظاهری است (13).

**1-2 بی‌کرانگی قدرت الهی در اندیشه‌ی فلاسفه و متکلمین**

مطابق دیدگاه رایج متکلمین، به‌‌ویژه نزد اشاعره، قدرت عبارت است از امکان فعل و ترک آن. براساس این دیدگاه، قدرت عبارت است از: «ما یصح معه الفعل و الترک». دغدغه متکلمین در پذیرش چنین تعریفی از قدرت، ناظر به اختیاری بودن قدرت برای خداوند است. از نظر آن‌‌ها، از آن‌‌جا که هیچ‌کاری نمی‌‌تواند بر خداوند، واجب و ضروری شمرده شود، لذا ترک یا انجام عملی برای خداوند نیز نمی‌‌تواند ضروری باشد (14). در نتیجه، چنین تعریفی از قدرت را ارائه کرده‌‌اند. ابن‌سینا در بحث قدرت، تعریفی این‌چنینی ارائه می‌دهد: «القدرة هى أن يصدر عن الشىء فعل بمشيئته» (15). در نگاه ابن‌سینا، قدرت یعنی انجام فعل توسط فاعل، آن‌هم با قصد، خواست و اراده‌ی فاعل. یعنی صدور فعل از فاعل اگر مطابق با خواست او باشد، به معنای قدرت خواهد بود و چنین رویکردی به قدرت، شامل فعل و ترک می‌شود (16).

علامه طباطبایی در تعریف قدرت می‌گوید: «فالحق ان معنی قدرته تعالی کونه بحیث یفع ما یشاء و لازم هذا المعنی الایجابی انتفاء مطلق العجز عنه تعالی» (17). پس حق آن است که معنا قدرت خداوند عبارت است از بودن خداوند به گونه‌ای که انجام می‌دهد هر آنچه را که می‌خواهد و لازمه‌ی این معنای ایجابی، نفی هرگونه عجزی]=مطلق العجز[ از اوست... روشن است که لازمه‌ی ترتّب فعل بر مشیت و خواست، ترتّب ترک آن بر نخواستن و عدم مشیّت است (18).

**1-3 دین و سلامت روان**

نگرش‌های شناختی ما، به‌ویژه درباره‌ی مفاهیم عمیقی مانند مبدأ جهان و جایگاه انسان در آن، می‌تواند تأثیر بسزایی بر سلامت روان داشته باشد. این نگرش‌ها اغلب زیربنای باورها، ارزش‌ها و معنایی است که به زندگی خود نسبت می‌دهیم.

**1-3-۱ نقش جهان‌بینی در سلامت روان**

دیدگاه‌های ما درباره‌ی مبدأ جهان (خدا، طبیعت، تصادف، یا هر مفهوم دیگر) و ارتباط آن با انسان، می‌تواند بر موارد زیر اثر بگذارد:

احساس هدفمندی: اگر جهان را دارای معنا و جهت ببینیم، ممکن است تاب‌آوری ما در برابر مشکلات افزایش یابد.

احساس تعلق: اعتقاد به ارتباطی عمیق بین خالق و مخلوق (بین انسان و جهان) می‌تواند از احساس تنهایی بکاهد.

اخلاق و مسئولیت: نگرش‌های ما درباره‌ی "چرایی " وجود انسان، بر انگیزه‌ها و تصمیم‌گیری‌هایمان تأثیر می‌گذارد.

این نکته در روان‌شناسی مثبت‌نگر و روان‌درمانی‌های معنوی/دینی نیز موردتوجه قرارگرفته است. در واقع، دینِ منطقی و خردورزانه (نه سطحی یا متعصبانه) می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب معناساز عمل کند که از چندجهت به سلامت روان کمک می‌کند:

الف) دین به‌عنوان سیستم معنا‌بخش

پاسخ به پرسش‌های وجودی: دین با ارائه‌ی روایتی منسجم درباره‌ی مبدأ، هدف و پایان زندگی، ابهام‌های ذهنی را کاهش می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهند افرادی که معنای روشنی در زندگی دارند، کمتر دچار اضطراب وجودی یا افسردگی می‌شوند.

تاب‌آوری در برابر رنج: باور به حکمت‌ورای دردها (مثلاً "این نیز بگذرد " یا "امتحان الهی ") می‌تواند تحمل‌پذیری فرد را افزایش دهد.

ب) مکانیسم‌های محافظتی دین در برابر اختلالات روانی

امیدواری: آموزه‌های دینی مانند باور به رحمت الهی یا عدالت در جهان آخرت، امید را تقویت می‌کنند. امید یک عامل کلیدی در پیشگیری از افسردگی است.

احساس کنترل غیرمستقیم: اعتقاد به "توکل " یا تسلیم در برابر اراده‌ی الهی، می‌تواند از بار مسئولیت‌های غیرقابل‌کنترل بکاهد (بدون ایجاد انفعال). به‌عنوان نمونه در آیات قرآن کریم به‌طور آشکار سخن از رابطه مستقیم آرامش و یاد الهی است: «... الا بذکر الله تمطمئن القلوب» (19).

اجتماع حمایتی: مراسم دینی (نماز جماعت، مراسم عبادی گروهی) روابط اجتماعی را تقویت می‌کنند که خود از عوامل محافظت‌کننده در برابر اختلالات روانی است.

ج) شرط "فهم درست و منطقی " دین

تأکید شما بر درک عمیق و عقلانی از دین بسیار حیاتی است، زیرا:

پرهیز از تفسیرهای تحریفی: برخی برداشت‌های افراطی یا خرافی از دین (مثلاً تقدیرگرایی مطلق) می‌تواند به درماندگی یا اضطراب بینجامد.

سازگاری با عقلانیت: دینی که پرسشگری و تفکر را ترویج می‌کند (مثل آموزه‌ی "تدبر در قرآن " یا "تعقل " در احادیث) با سلامت روان سازگارتر است.

انعطاف‌پذیری: فهم منطقی از دین اجازه می‌دهد فرد در مواجهه با تناقض‌های زندگی، به جای انکار یا فروپاشی، به بازسازی معنایی بپردازد.

در واقع تلاش می‌شود تا به نقش امیدِ رادیکال (امیدی بنیادین و تحول‌آفرین) در باورهای دینی اشاره شود که از نظر روان‌شناختی بسیار ژرف و تأثیرگذار است. این ایده که «خداوند می‌تواند حتی گذشته‌ی ویران‌شده را ترمیم کند» (چه از طریق بخشش، جبران معنوی، یا تبدیل رنج به حکمت) یک سازه‌ی شناختی-عاطفی منحصربه‌فرد ایجاد می‌کند که در روان‌شناسی مدرن هم نمونه‌های مشابهی دارد. این مفهوم را می‌توان از چند جهت تحلیل نمود:

**۱. امید به «بازسازی گذشته» از نگاه دینی و روان‌شناختی**

الهیات ترمیم‌گرا: در بسیاری از ادیان، خداوند نه‌تنها به آینده امید می‌بخشد، بلکه گذشته را نیز قابل بازتعریف می‌کند. مثلاً: آموزه‌ی توبه در اسلام: «إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوَّابِینَ» (خداوند توبه‌کنندگان را دوست دارد) — این باور به فرد اجازه می‌دهد اشتباهات گذشته را نه به‌عنوان نقطه‌ی پایان، بلکه به‌عنوان آغازی برای تحول ببیند.

مفهوم جبران اخروی (پاداش الهی برای رنج‌های ناخواسته در دنیا) که دردهای غیرمنصفانه را معنادار می‌کند.

روان‌شناسی مثبت‌نگر: نظریه‌ی رشد پس از سانحه (Post-Traumatic Growth) نشان می‌دهد که برخی افراد پس از بحران‌ها، به درکی عمیق‌تر از زندگی می‌رسند. دین این فرآیند را با اضافه کردن حکمت الهی تسریع می‌کند.

**۲. چرا این امید، «قدرت فوق‌العاده» دارد؟**

الهیات ترمیم گر از جهات مختلفی می‌تواند امیدآفرین است و الهیات امیدبخش را فراهم می‌سازد:

شکستن محدودیت‌های زمان مادی: مغز انسان معمولاً در برابر اتفاقات غیرقابل‌بازگشت (مثل ازدست‌دادن عزیزان، اشتباهات جبران‌ناپذیر) دچار درماندگی می‌شود. اما باور به مداخله‌ی الهی، خطی بودن زمان را زیر سؤال می‌برد و راهی برای بازنویسی روایت شخصی باز می‌کند.

کاهش بار گناه و پشیمانی: تحقیقات نشان می‌دهند احساس گناه مزمن می‌تواند منجر به اختلالات اضطرابی شود. اما باور به بخشش الهی (مثلاً «یا مَن یَقبَلُ الیَسیرَ وَ یَعفُو عَنِ الکَثیر») (20) این بار را سبک می‌کند.

امید ضد-واقع‌گرایانه: امید دینی گاهی از منطق عرفی فراتر می‌رود (مثل معجزه). این نوع امید در شرایطی که همه‌ی راه‌های مادی بسته هستند، مانند یک تور ایمنی روانی عمل می‌کند.

**۳. تفاوت این نگرش با «فرار از واقعیت»**

یک نکته کلیدی در الهیات ترمیم گر که مقدمه الهیات امیدآفرین می‌شود، «رعایت شرایط» (مثل تلاش فردی، توبه، اصلاح رفتار) است. این یعنی:

امید دینیِ سالم ضد تسلیم‌گرایی یا انفعال.

بلکه ترکیبی از توکل و تلاش است (مفهوم «تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ» در قرآن همراه با امر به اقداماتی مثل هجرت، جهاد و...).

**۴. پشتوانه‌ی علمی**

مطالعات در حوزه‌ی نظریه‌ی دل‌بستگی نشان می‌دهند که تصور یک «موجود قدرتمند حمایت‌گر» (حتی به‌صورت انتزاعی) می‌تواند سیستم عصبی را آرام کند.

پژوهش‌های الکساندر هیت (روان‌شناس دین) تأیید می‌کنند که باور به خدای قادرِ مهربان، سطح کورتیزول (هورمون استرس) را کاهش می‌دهد.

**1-4 ضرورت نیاز به الهیات ترمیم گر**

در واقع رابطه بین محدودیت‌های ذاتی انسان (جبرهای زیستی، زمانی، شناختی) و نیاز به یک مکانیسم ترمیم‌گر الهی، نکته‌ای است که از عمق فلسفی و روان‌شناختی قابل‌توجهی برخوردار است. این ایده نه‌تنها با الهیات اسلامی، بلکه با برخی از یافته‌های مدرن روان‌شناسی وجودی و عصب‌شناسی نیز همخوانی دارد. این ایده را می‌توان به‌صورت منسجم در قالب مقدمات زیر تحلیل نمود:

**1-4-۱ محدودیت‌های سه‌گانه انسان و نیاز به ترمیم الهی**

الف) جبرهای خارج از اختیار (بلایای طبیعی، شرایط اجتماعی، ژنتیک)

مثال: فردی با استعداد هنری که در جنگ زاده می‌شود و هرگز امکان پرورش استعدادش را نمی‌یابد.

نقش الهیات ترمیم‌گر: باور به عدالت اخروی یا جبران معنوی (مثلاً «مَا عِندَ اللَّهِ خَیرٌ وَ أَبْقَى» — آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است) (21).

ب) تأخیر بلوغ شناختی (اشتباهات ناشی از ناپختگی جوانی)

مثال: فردی که در ۲۰ سالگی از روی جهل، رابطه خانوادگی خود را نابود می‌کند و در ۴۰ سالگی به پشیمانی می‌رسد.

نقش الهیات ترمیم‌گر: آموزه‌های توبه پذیرفته‌شده («إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا») یا تبدیل گناه به آگاهی (روایاتی مثل «حُسنُ العاقِبَةِ لِلتَّقْوَى» — عاقبت نیک برای پرهیزگاران است).

ج) ازدست‌رفتن فرصت‌های بی‌بازگشت

مثال: زنی که به‌خاطر سنت‌های غلط اجتماعی، ازدواج نکرده و اکنون در میانسالی آرزوی مادر شدن دارد.

نقش الهیات ترمیم‌گر: باور به امکان معجزه الهی (مثل تولد حضرت اسحاق در پیری) یا خلق مسیرهای جایگزین («وَ مَن یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا» — خداوند راه‌گشایی می‌کند).

**2-4-1 چرایی گذار از الهیات ترمیم گر به الهیات امیدآفرین**

پارادایم شکست‌ناپذیری: الهیات ترمیم‌گر به انسان می‌گوید: هیچ ویرانی‌ای قطعی نیست، زیرا خداوند می‌تواند قوانین عادی علّیت را تغییر دهد (مثل تبدیل تلخی شکست به حکمت در روایت یوسف نبی).

بازتعریف زمان: در این نگرش، زمان خطی نیست. خداوند می‌تواند گذشته را در آینده بازسازی کند (مفهوم «یُحیِی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» — زنده کردن زمین پس از مرگ آن).

تعادل بین جبر و اختیار: این الهیات نه‌تنها جبرهای زندگی را نفی نمی‌کند، بلکه ابزاری برای عبور از آن‌ها می‌دهد (مثل تبدیل محدودیت فیزیکی به قدرت روحی در داستان حضرت ایوب).

انفعال یا عدم انفعال: چالش و پرسشی که ممکن است الهیات ترمیم گر با آن روبرو شود این است که آیا چنین الهیاتی سبب نمی‌شود تا مؤمن دچار انفعال گردد و از نقش تلاش و عمل خود غافل گردد؟

پاسخ منفی است و الهیات ترمیم گر مقدمه الهیات امید جهت دفع عواملی است که روان آدمی را دچار اختلال می‌سازد نه اینکه سبب انفعال گردد. در نتیجه اگر به‌درستی فهم شود الهیات ترمیم‌گر ضد تنبلی است و بلکه مستلزم اقدام همراه توکل است.

مثال عملی: بیماری که هم به درمان پزشکی متوسل می‌شود و هم به دعا، از امید فعالانه (Active Hope) استفاده می‌کند.

بنابراین بلوغ تدریجی انسان و جبرهای زندگی، او را محتاج مکانیسمی فراتر از منطق مادی می‌کند. الهیاتی که:

گذشته را بازتعریف می‌کند (نه انکار)، رنج را معنادار می‌سازد (نه توجیه) و آینده را گشوده نگه می‌دارد (نه قطعی).

این همان امید متعالی است که حتی فروید (با تمام انتقاداتش به دین) اعتراف کرد.

**بحث**

**الف) الهیات ترمیم گر در صحیفه سجادیه**

مراجعه به صحیفه و تأمل در آن آشکار می‌سازد که این نکته عمیق و ظریف یعنی الهیات ترمیم گر و گذار به الهیات امیدآفرین در قالب مناجات بیان‌شده است. این فراز خاص («وَ عِنْدَکَ خَلَفٌ مِمَّا فَاتَ وَ صَلَاحٌ لِمَا فَسَدَ وَ تَغْیِیرٌ لِمَا أُنْکِرَ») (22). در واقع یک چرخش پارادایمی در نگرش به قدرت الهی است که می‌تواند پیامدهای روان‌شناختی شگرفی داشته باشد. بیایید این مفهوم را از چند منظر تحلیل کنیم:

**۱. تحلیل فراز صحیفه‌ی سجادیه: الهیات «امکان رادیکال»**

ترجمه‌ی مفهومی:

«و نزد تو است جایگزین آنچه ازدست‌رفته، اصلاح آنچه فاسد شده و دگرگونی آنچه انکار شده است».

این عبارت سه سطح از مداخله‌ی الهی را بیان می‌کند:

1.۱. جبران گذشته (خَلَفٌ مِمَّا فَاتَ): خداوند می‌تواند حتی فرصت‌های ازدست‌رفته را با موهبت‌های جدید جبران کند.

۲.1. اصلاح اکنون (صَلَاحٌ لِمَا فَسَدَ): تبدیل وضعیت فعلی به وضعیتی مطلوب.

۳.1. دگرگونی آینده (تَغْیِیرٌ لِمَا أُنْکِرَ): تغییر سرنوشت‌های به‌ظاهر قطعی‌شده.

نگرشی که حاصل تأمل در این فراز امام سجاد (ع) است این است که این نگاه فراتر از نظریه‌ی سنتی «قضا و قدر» است. امام به جای تأکید بر پذیرش صرف، بر قدرت تحول‌آفرین الهی تأکید می‌کند که می‌تواند قوانین عادی علیت را زیر پا بگذارد. ضمنِ فراز فوق، در جای دیگر نیز می‌فرماید: «اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتِي، وَ صَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي، وَ اسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي». اى خداوند، به لطف خود نيّت مرا از هر شائبه مصون دار و به رحمت خود يقين مرا استوار گردان و به قدرت خود فساد مرا به صلاح بدل نماى (23)

**۲. پیامدهای روان‌شناختی این الهیات**

الف) درمان احساس «تلف‌شدگی»

بسیاری از اختلالات روانی (مثل افسردگی) ریشه در باور «زندگی‌ام تباه شده» دارد. این مناجات به فرد می‌گوید:

«هیچ چیز به‌طور قطعی تباه نشده؛ خداوند می‌تواند حتی خاکستر گذشته را به باغی تبدیل کند.»

ب) تقویت «تاب‌آوری وجودی»

تحقیقات نشان می‌دهند افرادی که به «قدرت مطلقِ مهربان» باور دارند، در مواجهه با شکست‌ها، سریع‌تر به وضعیت تعادل بازمی‌گردند.

ج) کاهش اختلالات اضطرابی

اضطراب اغلب ناشی از ترس از «اشتباهات غیرقابل‌جبران» است. این نگرش به فرد می‌آموزد:

«اگر شرایط روحی و عملی تو اصلاح شود، خداوند می‌تواند پیامدهای اشتباهاتت را نیز اصلاح کند.»

**۳. مقایسه با روان‌درمانی‌های مدرن**

بازسازی روایت (Narrative Therapy): در این روش، درمانگر به مراجع کمک می‌کند روایت خود از گذشته را تغییر دهد. امام سجاد (ع) این کار را با ارائه‌ی روایت الهی انجام می‌دهد:

«گذشته‌ی تو نه‌تنها قابل‌بازنگری، بلکه قابل بازآفرینی است.»

پذیرش و تعهد (ACT): این درمان بر «انعطاف‌پذیری روانی» تأکید دارد. الهیات صحیفه‌ی سجادیه این انعطاف را با گفتن این جمله تقویت می‌کند:

«حتی اگر همه‌چیز انکار شده باشد (زشت و ناپسند باشد)، خداوند می‌تواند آن را تغییر دهد.»

چنین نگرشی مانع از اختلال روانی می‌شود زیرا با از بین بردن بن‌بست‌های شناختی از انسان محافظت می‌نماید. ذهن انسان در مواجهه با موقعیت‌های بدون راه‌حل، دچار فروپاشی معنایی می‌شود. این مناجات با تأکید بر قدرت مطلق الهی، همیشه یک «راه سوم» پیش پا می‌گذارد. البته نباید از نظر دور داشت که این الهیات مشروط به فراهم بودن شرایط (توبه، ایمان، تلاش) است. این شرط مانع از انفعال می‌شود. در واقع، صحیفه‌ی سجادیه الهیات فعال را ترویج می‌کند، نه الهیات تسلیم‌گرا.

**ب) فرضیه جهان بی‌رحم در غیاب الهیات ترمیم گر**

اگر جهان فاقد مکانیسمی الهی برای ترمیم گذشته و جبران رنج‌های ناخواسته باشد، آیا اساساً می‌تواند عادلانه یا حتی قابل‌تحمل باشد؟ این ایده که «الهیات ترمیم‌گر» شرط لازم برای معناداری زندگی است، از چند منظر قابل‌بررسی است:

**۱. فرضیه جهان بی‌رحم**

اگر جهان را سیستمی صرفاً مادی و مبتنی بر قوانین علّیِ تغییرناپذیر بدانیم (بدون وجود خدایی که بتواند گذشته را بازسازی کند)، با چند پیامد روان‌شناختی روبرو می‌شویم:

فقدان عدالت جبرانی: رنج‌های ناشی از جبرهای زیستی/اجتماعی هرگز جبران نمی‌شوند (مثل کودکانی که در جنگ می‌میرند یا استعدادهایی که هرگز شکوفا نمی‌شوند).

انباشت پشیمانی‌های غیرقابل‌جبران: اشتباهات جوانی به دامی وجودی تبدیل می‌شوند که فرد تا پایان عمر اسیر آن است.

امیدزدایی رادیکال: مرگ به معنای نابودی قطعی تمام فرصت‌های ازدست‌رفته خواهد بود.

این وضعیت یادآور سخن فیلسوفانی چون کامو است که جهان بدون خدا را «ابزورد» (پوچ) می‌دانستند.

**۲. الهیات امام سجاد (ع) پاسخی به پوچ‌گرایی است**

امام سجاد در مناجات خود پرده از الهیاتی ترمیم گر برمی‌دارد که با تأکید بر امکان مداخله الهی در گذشته/آینده، دقیقاً مقابل این نگاه می‌ایستد و مکانیسمی را آشکار می‌سازد که مطابق آن:

تبدیل تقدیر به اختیار: حتی اگر تقدیر (جبرهای زندگی) شما را به ویرانی کشانده، خداوند می‌تواند آن را به مواد اولیه یک بازسازی معنادار تبدیل کند.

عدالت فراگیرنده: مفهوم «خَلَفٌ مِمَّا فَاتَ» (جایگزین برای ازدست‌رفته‌ها) تضمین می‌کند که هیچ رنج یا فرصتی به‌صورت مطلق هدر نمی‌رود.

در جای دیگر نیز می‌فرماید: «... يَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ، وَ مُسْتَصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِين‏» (علی بن حسین (ع)،1376، دعای 40، فراز 5: 172). (24) (اى آن‌که ضمانت کرده‌ای پاداش نيكوكاران را و به اصلاح آورده‌اى كردار تباه‌كاران را). که این امر، امیدآفرین مطلب ممکن است حتی به کسی که همه‌چیز خود را هدر داده است، نوید می‌دهد که رحمت الهی وسیع است و شامل او نیز خوانده شد.

**۳. پیوند با روان‌شناسی مدرن**

نظریه «امید» (چارلز اشنایدر): امید واقع‌بینانه نیازمند سه جزء است:

**۱.3. هدف (مثلاً ترمیم گذشته)**

**۲.3. مسیر (تلاش فردی بعلاوه توکل)**

**3.۳. عاملیت (باور به توانایی تغییر).**

حل الهیات ترمیم گر امام سجاد (ع) هر سه جزء مورد نیاز برای الهیات امیدبخش را تأمین می‌کند.

**نتیجه‌گیری**

برخی منتقدان (مثل فروید) معتقدند دین یک «توهم آرامش‌بخش» است. اما در پاسخ می‌توان گفت:

آزمون‌پذیری عملی: اثرات مثبت این باورها بر تاب‌آوری و سلامت روان، قابل‌اندازه‌گیری است (مثلاً پژوهش‌ها درباره تأثیر دعا بر کاهش اضطراب).

انسجام درونی: این الهیات با منطق «خدای قادرِ حکیم» سازگار است. اگر خداوند می‌تواند جهان را بیافریند، چرا نتواند بخشی از تاریخ شخصی فرد را بازنویسی کند؟

جهان با الهیات ترمیم‌گر نتایجی مطلوبی را به همراه دارد چراکه بیان می‌کند ویرانی‌ها موقتی‌اند، رنج‌ها می‌توانند به حکمت تبدیل شوند و و از دست دادن ها، پایان مسیر نیست.

در مقابل، جهان بدون الهیات ترمیم‌گر افت مهمی برای سلامت روان است چراکه آدمی را با چالش‌های حل نا شده‌ای رها می‌کند و رنج‌های غیراختیاری بی‌معنا می‌مانند، پشیمانی‌ها تا ابد بر دوش انسان سنگینی می‌کنند و عدالت را به یک آرزوی دست‌نیافتنی تبدیل می‌سازد.

**پیشنهاد‌ها**

با توجه به تأثیر سلامت روان در زیست معنوی پیشنهاد می‌شود مطالعاتی در خصوص راهبردهای ارتقای معنویت خصوصاً با تعمق در صحیفه سجادیه صورت پذیرد.

**حمایت مالی**

 نویسندگان هیچ‌گونه حمایت مالی برای این پژوهش دریافت نکرده‌اند.

**ملاحظات اخلاقی**

این پژوهش با رعایت موازین اخلاقی صورت گرفته و تلاش شده انتشار نتایج به دور از هرگونه جهت‌گیری انجام پذیرفته است.

**تعارض منافع**

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافعی نداشتند.

**تشکر و قدردانی**

از تمام عزیزانی که در انجام پژوهش حاضر به ما یاری رساندند سپاسگزاریم.

**منابع**

1. Hosseini-Kouhsari, Seyyed-iShaq, A Quranic Perspective on Psychological Stress, Tehran, Young Thought Center, affiliated with the Young Thought Center of Tehran Institute, first edition,2004.

2. Ehsan Manesh, Mojtaba, Collection of papers of the first international conference "The role of religion in mental health", a group of authors edited by Mojtaba Ehsan Manesh, Tehran, University of Medical Sciences, Maarif Publishing House (affiliated with the institution representing the leadership in the university), first edition, 2003.

3. Marzband, Rahmatullah; Zakovi, Ali Asghar; Hosseini Karnami, Seyyed Hossein, The role of trust in mental health with emphasis on Quranic teachings, religion and health (review article), 2015, Volume 3, Issue 1, p. 73-82.

4. Saforaei Paeezi, Mohammad Mehdi; Ghasemian, Soleiman, Mental health in light of practical commitment to religious teachings, Marefat 2005, No. 97, pp. 11-25.

5. Veisi, Omid; Amiri, Muslim; Mohammadi, Maryam, A comparative study of the concept of mental health from the perspective of Islam and modern psychology, Journal of Modern Advances in Psychology, Educational Sciences and Education, 4th Mehr 2021, No. 40, pp. 23-45.

6 – Mahdavi Azadboni, Ramezan and Rabitattaj, Seyyed Aliakbar, Faith,Helath and sphychology, in Procedia - Social and Behavioral Sciences 30 (2011) 1530 – 1533

7 – Azadboni, R, The Connection between Moral Commitments and Psychological Health. IAMURE International Journal of Multidisciplinary Research, 2011, 1(1).

8. Ibn Fares, Ahmad, Mu'jam Maqayis al-Lughah (Arabic six-volume series), researched by Abd al-Salam Muhammad Haroon, Qom, Publications of the Islamic Propagation Office of the Qom Seminary, third edition, 1984.

9. Ahmad Farahidi, Khalil ibn al-Ayn (9-volume Arabic collection), researched by Mehdi Makhzoumi, Qom, Hijrat Publications, 1988.

10. Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram, Lisan al-Arab (16-volume Arabic volume), Beirut, Dar Beirut Publications, , fourth edition, 1996.

11. The Holy Quran, Surah Al-Shu'ara, verse 89.

12. The Holy Quran, Surah Al-Baqarah, verse 71.

13. Raghib Isfahani, Mufradat Alfas Al-Quran, researched by Safwan Adnan Dawoodi, Beirut, Dar Al-Qalam, fourth edition, 1995.

14. maroof al Hoseyn, 1998.

15. Ibn Sina, Hussein ibn Abdullah, Al-Ta'liqat, researched by Abd al-Rahman Badawi, Qom, Islamic Media School Publications, first edition, 1983.

16. Mahdavi Azadboni, Ramadan; Ghasemi Tusi, Mohammad Ismail, A new interpretation of the scope of divine power with an ontological approach in the teachings of Sahifa Sajjadiyeh, Bi-Quarterly Journal of Ontological Research, 2024, Year 13, Issue 25, Spring and Summer, pp. 103-126.

17. Tabataba'i, Allama Seyyed Mohammad Hussein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Tehran, Daral-e-Kutub al-Islamiyya, 1976.

18. Beheshti, Ahmad; Dayyani, Mahmood, The conceptualization of divine power and theological reasons for its proof, bi-monthly Quranic Theology (with a theological approach), 2014, Year 2, Issue 3, Fall and Winter, pp. 57-76.

19. The Holy Quran, Surah Ra'd, verse 28.

20. Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, The Key of the Jinn (Zad al-Ma’ad), translated by Ala al-Din al-A’lami, Beirut, Al-A’lami Press. 2003.

21. The Holy Quran, Surah Ash-Shura, verse 36.

22. Qazvini, Mohammad Saleh, Translation and commentary of Sahifa Kamila Sajjadiyeh, edited by Ali Fazeli, Qom, Islamic Propaganda Organization Publications. Baqir al-Ulum Research Institute, first edition, 2009.

23. Faiz al-Islam, Alinaghi, Translation and commentary of Sahifa al-Sajjadiyah, researched and corrected by Abdolrahim Afshari Zanjani, Tehran, Faqih Publications, second edition, 1997.

24. Ali bin al-Husain, al-Sahifah al-Sajadiyah, Qom, Al-Hadi publishing house, first edition, 1997.

1. استادیار گروه معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه مازندران [↑](#footnote-ref-1)
2. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مازندران

Email: r,mahdavi@umz.ac.ir [↑](#footnote-ref-2)
3. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مازندران [↑](#footnote-ref-3)
4. دکتری شهرسازی و کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی [↑](#footnote-ref-4)